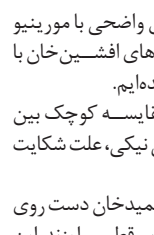


# رویداد X هفته

## انتقاد ورزشی نویسان از مرد ۲ هزار چهره این کارها واسه پوله

با توجه به اینکه رشوه دادن مسعود شصت چی در نقش «بیژن شکبیا» به سردبیر یکی از روزنامه‌های ورزشی، صدای ارباب (یا اصحاب) رسانه را در آورده و تا به حال، رئیس و دبیر کل انجمن ورزشی نویسان کشور زبان به انتقاد از این سریال گشوده‌اند و با دز نظر گرفتن این نکته که تمامی ما خبرنگاران آدم‌های پاک و شریفی هستیم و از اقوام رئیس کمیته انضباطی می‌باشیم و ضمناً مطمئنیم هیچ کس یادش نیست قبل از عید، قسوه قضائیه ۶ نفر از همکاران عزیز و زحمتکش ما را به اتهام دلالی و اخاذی از بازیکنان برای خوردن آب خنک به بازداشت رهنمون کرده است، همین جا با سردادن شعار «حیا کن ای ژوله/ این کارها واسه پوله» حمایت خودمان را از اصحاب (یا ارباب) رسانه اعلام می‌داریم و در عین حال، از شخصیت‌های زیر نیز خواهشمندیم جهت شکایت از مهران مدیری و امیر مهدی ژوله هر چه سریع‌تر به جنبش مابپیوندند:



دایمی پرکنار شد

**(الف) افشین قطبی:** بیژن شکبیا هیچ عکس واضحی با موری نیو و کوپولو و زنگیلو نداشتند در حالی که عکس‌های افشین خان با وریبک و هیدینک را خودمان در روزنامه‌ها دیده‌ایم.  
**(ب) علیرضا نیکبخت واحدی:** فقط یک مقایسه کوچک بین دماغ یوسف صیادی و بینی خوش تراش و قلمی نیکی، علت شکایت را واضح می‌کند.  
**(ج) حمید استیلی:** همه یادشان هست که حمیدخان دست روی قرآن گذاشت و قسم خورد که نمی‌خواهد زیر آب قطبی را بزند. این وصله‌ها به او نمی‌چسبند.  
**(د) حسین هدایتی:** واقعا بیژن پارس استیل آلات و فولادهای ASTM کجا، خرید و فروش و بازاریابی برای کاسه توالنت و سیفون دستشویی کجا؟  
**(ه) فیروز کریمی:** هیچ کدام از حرف‌های جناب سرهنگ به بی‌مزیگی جوک «اون یارو که شامپو می‌رفت تو دهنش» نیست. ضمناً فیروز خان موقع مصاحبه خنده‌اش نمی‌گیرد.  
**(ز) جناب «علی»:** آقای علی مدت‌هاست به کمتر از رستوران لوکس طلایی رضایت نمی‌دهد و کله پاچه کزنده سال هاست از رژیم غذایی ایشان حذف شده. ■

## اینجا ایران است

ای علی آقای دایی/ ای سرمربی سابق تیم ملی استاد من، آقای من! چرا باز غیبت زد؟ کی بودش؟/ شیش‌ماه پیش بود، یا شاید یک‌سال پیش بود/ که پهلو پیدات شد - کسی دقیقاً نمی‌داند برای چی - وقتی هم که رفتی/ حامیانت<sup>(۱)</sup> نبودن - باز کسی دقیقاً نمی‌داند برای چی - آخ که چه زجری تو کشیدی علی جان! تو مصاحبه‌ها ت قات زدی/ حرف از کات زدی<sup>(۲)</sup> گفتی آهن دلی کنی چندی و روی خوش نشان ندهی به هیچ خبرنگار دربندی<sup>(۳)</sup> لکن برخلاف انتظار تو دور نکونامی<sup>(۴)</sup> گذشت و نوبت برکناری رسید یک چندی آیا «هشت».

تنها یکی «هشت»<sup>(۵)</sup> بسنده بود که سرنوشت تو را بسازد؟ تو از رفتن تن زدی<sup>(۶)</sup> و ایستادی/ چه شکسته ایستادی/ چه شکسته‌تر پریدی پریدی و پریدی/ کاشکی نمی‌پریدی توی راه بودی/ او خوش بودی/ او سوار لاک‌پشت بودی<sup>(۷)</sup> و از بابت حمایت سازمان ادل قوی و گره‌گردمشت بودی اصلاً به خاطر همین با همه رسانه‌ها درشت بودی ولی فراموش کردی که «آقای فردوسی پور اینجا ایران است»

به این ترتیب نشد که روه‌روی وضوح کیوتران و جام جهانی بنشینن و رفتی، تالب هیچ یکشنبه<sup>(۸)</sup> وقت رفتن است موسم دل کندن است - البته ما نین اذعان داریم که تمام بدبختی‌های تو از من و امثال من<sup>(۹)</sup> است - لکن خنجر از پشت می‌زند آنکه همراه تن<sup>(۱۰)</sup> است حالا به اندازه کافی فرصت داری

که گره از زلف بار بار کنی و در فراز کنی و با خیال راحت پاهایت را در خانه دراز کنی و با تماشای مجدد بازی‌های تیم ملی تاکتیکش را به درستی آنالیز کنی برادر! ای بیم ساده آشنا تا تو دوباره باز آیی ما چند صباحی نفس خواهیم کشید **پی‌نوشت:**

- (۱) منظور مهندس علی آبادی است که حق پدری به گردن دایی دارد.
- (۲) دایی یک بار فردوسی پور را به قطع مصاحبه تهدید کرده بود.
- (۳) منظور، اسارت ما خبرنگاران در بند خواهش‌ها و تمنیات نفسانی است که موجب قربانی شدن حقیقت می‌شود.
- (۴) در بعضی نسخه‌ها، نیکونامی هم آمده است.
- (۵) اشاره به شماره علی کریمی. ضمناً بازی ایران - عربستان، روز هشتم از سال ۸۸ انجام گرفت.
- (۶) یعنی آخرش هم کریمی را دعوت نکردی.
- (۷) کنایه از نتایج ضعیف تیم ملی.
- (۸) روز برکناری دایی.
- (۹) منظور، همان خبرنگاران مغرض می‌باشد.
- (۱۰) اصل کلمه «تو» بود که به ضرورت قافیه قلب به «نون» شد. ■

## آرژانتین ۶ تا از بولیوی خورد

## Narcotics Famous (معتادان معروف)

همین است دیگر؛ وقتی یک معتاد اهل لحیم کاری را بگذارند سرمربی تیم ملی، نتیجه می‌شود اینکه می‌روند لاپاز - پایتخت بولیوی - تا می‌خورند و برمی‌گردند. این البته فقط حرف ما نیست؛ لوئیز چیلاروت دروازه‌بان سال‌های دور پاراگوئه هم این را گفته که «مارادونا معتاد است؛ این کاره



نیست.» (یک وقت سوء تعبیر نشود؛ منظور از «این کاره» همان سرمربی تیم ملی آرژانتین است). آن جور که ما در بخش‌های تعدیل شده مستند کاستاریکا از زندگی دون دیه‌گو دیدیم، مارادونا در سال‌های آخر اعتیادش به سراغ مخدرات شیمیایی خفنی مثل «اشک خدا» و «نور جیزک» و «دوا» رفته بود؛ این مواد هم چنان که می‌دانید یا الان خواهید دانست، به تدریج شروع به تخریب سلول‌های مغزی طرف می‌کنند و کله‌اش را پوک و میان تهی می‌سازند. بعد مارادونا به جای اینکه گزارش شماره ماقبل ویژه‌نامه عید ما را بخواند و خودش را به انجمن معتادان گمنام (NA) معرفی کند، رفت روی نیمکت آرژانتین نشست (شاید هم رفت، ولی چون گمنام نبود و همه می‌شناختندش، قبولش نکردند). می‌پرسید اگر مغز مارادونا میان تهی نمی‌شد، الان چه می‌کرد؟ اولاً که چند ماه قبل، از میزبانی بولیوی حمایت نمی‌کرد و تو دهن منتقدان ارتقاع زیاد این کشور (۳ هزار و خرده‌ای متر) نمی‌زد که حالا دلیل مکفی برای توجیه شکستش داشته باشد. ثانیاً اصلاً مسی را به تیم ملی دعوت نمی‌کرد و توضیح می‌داد که آخرین بازی موثر مسی، هزار سال پیش مقابل رکر تیوو هولوا بوده و لاغیر. ثالثاً به جای تعریف از بازی بولیوی و انتقاد از خود، از کارشناسان می‌خواست با پای دراز کرده، فیلم بازی تیمش را در خانه ببینند و تاکتیکش را بفهمند. رابعاً در جواب این سوال که «نمی‌خواهید استعفا بدهید و به انجمن معتادان معروف (NF) بروید؟» می‌گفت: «در مورد برکناری من کسان دیگری غیر از شما تصمیم می‌گیرند.» و چون رئیس جمهور آرژانتین در لاپاز حاضر نبود، مطمئناً فردا اتفاقی برایش نمی‌افتاد.

## کی پول شام را حساب کرد؟

می‌فرماید: «نمک خوردی، نمک‌ها نوش جان/ نمکدان را چرا بردی به خانه؟» و این بیت پیش از همه، بیانگر سکنتات و وجنات فعلی جادوگر ما می‌باشد. واقعا برای کریمی متأسفیم. مگر تو قبل عید با دایی در لواسان شام نخوردی؟ کی پول شام را حساب کرد؟ اصلاً شهریار گذاشت تو دست توی جیبت بکنی؟ حالا حرمت نمک را این طوری نگه می‌داری که برگردی بگویی «دایی فکر می‌کند تاروز آخر بازی‌اش در تیم ملی، موثر بود و بهترین بازی تاریخ است» پدر جان از خواب گران خیز! دایی الان سال هاست از دنیای بازی خداحافظی کرده است. یا فرموده‌ای که «دایی بیش از اندازه مغرور و لجباز است و هیچ کس به اندازه خودش قربانی این رفتارها نشد». اولاً کی از تو خواست مربی اخلاق و پیر و مرشد تربیت و طریقت بشوی که این طور نظر می‌دهی؟ تو برو سراغ همان جادو و جمیل! در ثانی، یک زنگ بزن به صدا-سیما، یا سیما-فیلم، یا سروش-سیما، یا صدا-سروش، یا خلاصه همین ارگانی که تلفنی فیلم برنامه‌های تلویزیونی را می‌آورد، بگو فیلم مصاحبه دایی بعد بازی را برایت بفرستند. بعد بنشین توی خانه، پاهایت را دراز کن و با خیال راحت و دقیق فیلم را ببین. بعد اگر جز منطق و متانت و آرامش و صبوری و انتقادپذیری چیز دیگری دیدی، آن وقت هر چه دلت می‌خواهد از غرور و لجبازی حرف بزن. ■





## خرید بام و برای نیکبخت

حسین هدایتی که سور و سمج پای خرید سهام پرسپولیس ایستاده، قول داده در صورت واگذاری ۲۵ درصد سهام باشگاه، هم تمام هزینه‌های فرمز پوشان را بدهد، هم تمام بدهی‌ها را پرداخت کند و هم ظرف ۵ سال یک ورزشگاه ۵۰ هزار نفری برایشان بسازد. در جوابش باید عرض کنیم که او هوک! چه ز رنگ! با چند تا شکلات و آب نبات می‌خواهی یک چهارم پرطرفدارترین باشگاه آسیا را صاحب شوی؟ به نظر ما فدراسیون و سازمان باید هدایتی را محک بزنند تا ببینند چقدر در ادعایش صادق است؛ لذا یک بسته پیشنهادی به این شرح روی میز او قرار داده شود:

- ۱- اهدای یک کارت سوخت ۱۰۰ لیتری به هر یک از هواداران باشگاه که هزینه آن به صورت آزاد قبلاً پرداخت شده است.
- ۲- خریداری مجموعه کامل آثار ایور یحان برای داریوش خان و حلالیت گرفتن از او.
- ۳- پرداخت جریمه نیکبخت به کمیته انضباطی و خرید یک دستگاه بامو جدید برای نامبرده.
- ۴- تقبل دستمزد مربی جدید تیم ملی در بازی‌های آتی (هر که باشد) و صعود به جام جهانی.
- ۵- دادن چند میلیارد وام بلا عوض دیرپس به سلحشور برای بازسازی زندگی یکی دیگر از انبیا. ■

کلاف سردرگم سرمربی

## طرح رویداد ایکس هفته برای برون رفت از بحران

خب شکر خدا تا بازی بعدی تیم ملی، چیزی حدود ۶۰ روز باقی مانده و فدراسیون به اندازه کافی فرصت داشت در خانه بنشیند و پاهایش را دراز کند و برنامه‌های گزینه‌های بالقوه سرمربیگری را مورد مذاقه قرار دهد و دیگر سراغ گزینه‌هایی که مشکل سوند و سرم دارند (آر تور جرج) یا آنهایی که از غم فراق نوه رنج می‌برند (کلمنته) نرود. البته بعد از کلی گیج‌و‌اگیج زدن بالاخره مایلی کهن انتخاب شد. به نظر ما می‌شد تکثر به کناری نهاد و از ویژگی جادویی عدد ۶۰ بهره برد. چنان که می‌دانید این عدد بر عددهای زیادی مثل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و حتی ۶ بخش پذیر است که مهم‌ترینشان همین عدد ۶ می‌باشد. چرا؟ به این خاطر که گزینه‌های سرمربیگری تیم ملی هم ۶ تا بودند. این ۶ تن عبارت بودند از محمد مایلی کهن، افشین قطبی، امیر قلعه‌نویی،

حشمت مهاجرانی، محمود باوری و فیلیپ تروسیه. کلاس بازی دیگر داریم که هر کدام نیمه، می‌کند به عبارتی ۶ نیمه. پیشنهاد اکاز یون ما به مهندس کفاشیان این بود که هر کدام از این مربیان ۱۰ روز تیم را تمرین بدهند، بعد هر کدامشان برای یک نیمه روی نیمکت بنشینند. می‌توانستند مربیانی که در چیدن ارنج تخصص دارند را در نیمه‌های اول به خدمت بگیرند و از آنهایی که متخصص

بازی خوانی هستند در نیمه‌های دوم استفاده کنند. این طرح از نظر هزینه‌زایی هم خرجی برای فدراسیون نداشت؛ چون مربیان داخلی که در راه خدا وارد عرصه می‌شوند؛ می‌ماند تروسیه که آن هم از حسین هدایتی می‌خواستیم سر کیسه را شل کند. در نهایت هم اگر تیم به جام جهانی نمی‌رفت که هیچی، هر ۶ گزینه را از فهرست حذف کرده و دنبال فرد جدیدی می‌رفتیم؛ اگر هم می‌رفت - که ان شاء الله می‌رود - مربی‌ای را که بهترین نتیجه را در نیمه مربوطه خود کسب کرده بود به عنوان سرمربی انتخاب و بقیه را بعد از تشکر مرخص می‌کنیم. حیف که فدراسیون منتظر این پیشنهاد اکاز یون ما نماند و مایلی کهن را انتخاب کرد حیف. ■

گریه‌های هر روز رونالدو

## مادر جان!

آدم این قدر سوسول و احساساتی هم نوبر است به خدا. به قول شاعر «تخندین ناراحت می‌شه!»! کریس رونالدو را عرض می‌کنیم؛ مصاحبه کرده و فرموده‌اند که اوایل آمدن به اولد ترافورد، دلتنگی مجالشان نمی‌داده و در نتیجه، هر روز تلفنی با والده مکرمه و خانواده محترمه در پرتغال صحبت می‌کرده‌اند و های‌های پای تلفن زار می‌زده‌اند. مادر جان! مادر جان! بعضی‌ها چه روح لطیفی دارند! بعدش هم اضافه کرده‌اند که اصلاً باورشان نمی‌شده باز یکنان حرف از عمد رویشان خطا کنند. حتی یک بار دروازه‌بان تیمی گفته که تنها راه متوقف کردن منچستر، هدف گرفتن رونالدو است که در نتیجه «گل به او زد». خب البته رونالدو هنوز جوان است و مانده تا یاد بگیرد جواب این حرف‌ها را توی زمین نمی‌دهند؛ مرد اگر مرد باشد، مثل حسین کعبی شب ساعت ۱۱ می‌آید زیر پل - آن هم تنها و بدون تیزی - حشش را می‌گیرد؛ یا نه، اگر طاقت و صبر نداشته باشد، همان توی تونل استادیوم آزادی حسابش را تسویه می‌کند. اگر قبلاً شماره کفشش را روی صورت لوئیز فیگو حک کرده باشد که چه بهتر؛ طرف نیامده، ماستش را کیسه می‌کند. تماشاچی و خیرنگار هم اگر اقل باشد، به آدم‌های این شکلی که کلا اعصاب معصاب ندارند، گیر نمی‌دهد که بعدش همراه مهدی رحمتی و سیاوش اکبرپور و غلامرضا رضایی چهار تایی بریزند سرش و خانواده‌اش را جلوی چشمش بیاورند و سر آخر هم به خاطر شرایط حساس تیم ملی مشمول عفو عمومی قرار گیرند. ■

■ سید احسان عمادی



## لال از دنیای نری

صادق محصولی: در اوایل دهه ۷۰، به همراه رئیس جمهور عضو تیم استادان دانشگاه علم و صنعت بودیم. ایشان به عنوان فوروارد یا هافبک هجومی بازی می‌کرد و البته بازی‌اش خیلی بهتر از بنده بود.



سوره‌های هفته

«گرفتار و حرف گوش کن» هفته:

کفاشیان (قبل از عید): مهندس علی آبادی آن قدر گرفتار است که نمی‌تواند در فدراسیون دخالت کند؛ اما اگر ارشادی داشته باشد، گوش می‌کنیم.

«نباشی چه کنی؟» هفته:

جلالی: از اینکه مرا برای تیم ملی نمی‌خواهند خوشحالم.

«پیر خرابات» هفته:

ابراهیم‌زاده: دایی کم تجربه بود.

«یه چی بگو لال از دنیای نری» هفته:

فرخزادی: وینگادا چون خودش تیم را نبسته، در مورد بازی‌های لیگ برتر تر مسؤلیتی ندارد اما برای جام قهرمانان آسیا و جام حذفی مسؤول نتایج است.

«رفیق بی کلک، مهندس» هفته:

علی آبادی (در جلسه قبل از برکناری دایی): در شرایط فعلی، دایی خیرالموجودین است.

«مادر جان!» هفته:

هومن افاضلی: وقتش رسیده که سرمربی باشم.

«البته معمولاً برای ورود به زمین لخت می‌شوند» هفته:

انصاری فر: شاید لازم است خودمان لباس بپوشیم و وارد زمین شویم.

## احوالات رجال الغیب

این هفته بازی‌های دور برگشت مرحله یک چهارم نهایی جام قهرمانان اروپا برگزار می‌شود.



بازی‌های هفته

موقع نوشتن این متن، هنوز بازی‌های دور رفت انجام نشده و ما هم چون رجال الغیب نیستیم، از نتایج آن بی‌خبریم. اما بحتمل بارسلون و منچستر بار خود را در خانه بسته‌اند و کار سختی را در آلمان و پرتغال پیش‌رو ندارند. این وسط بدون شک مهم‌ترین بازی، نبرد قرمز و آبی‌های انگلیسی است؛ وقتی بندری‌های لیورپول در استمفورد در بیج جلوی مردان هایدنک می‌ایستند.

سری A	
کیه‌وو	میلان
جنوا	یوونتوس
اینتر	پارمو
لالیگا/یکشنبه ۲۳ فروردین	
رنال مادرید	والادولید
لالیگا/شنبه ۲۲ فروردین	
بارسلون	رکرتیو
لیگ برتر	
چلسی	بولتون
لیورپول	بلکبرن
سائدرلند	
منچستر	آرسنال
ویگان	
لالیگا/یکشنبه ۲۴ فروردین	
آرسنال	ویارنال
پورتو	منچستر